

Analyzing the contexts and achievements of teachers' protest rally
in Baharestan Square (1340 AH)

Zahra Mirarab Razi¹

Received: 8 December 2023

Sina Farozesh²

Omid Sepehri Rad³

Reception: 14 February 2023

Abstract:

The present article analyzes the grounds and achievements of teachers' protest rally in Baharestan Square in 1340 AH. The focus of this research is the subject of teachers' activities and their demand at this time. The main issue is why and how teachers union demands were mixed with current political issues? At first, the teachers had union demands, including an increase in their monthly salaries. However, due to the global conditions and the domestic situation, political goals were added to their movement, and this made the teachers achieve their demands to some extent. This research shows that strikes, union organizations and cooperation with other social groups were among the main strategies of teachers to realize their demands. The research method of this historical article is qualitative, which has led to analysis by matching historical data and information. The method of editing and writing is descriptive-analytical. And it has been tried to use documents, newspaper content, and related books.

Movement, teachers, demands, union, protest, education

¹ Ph.D. student, Islamic History Department of Iran, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of History, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

³ Assistant Professor, Department of History, Bajnoor Branch, Islamic Azad University, Bahnovard, Iran.

<http://doi.org/10.30510/pssci.2024.478901.1079>

واکاوی زمینه ها و دستاورد های تجمع اعتراضی معلمان

در میدان بهارستان (سال ۱۳۴۰ هجری شمسی)

زهرا میر عرب رضی^۱ تاریخ دریافت: ۱۷/۰۷/۱۴۰۲

سینا فروزش^۲

امید سپهری راد^۳ تاریخ پذیرش: ۲۷/۰۹/۱۴۰۲

چکیده

مقاله حاضر به واکاوی زمینه ها و دستاورد های تجمع اعتراضی معلمان در میدان بهارستان در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی پرداخته است. محور این پژوهش موضوع فعالیتهای معلمان و تقاضای آنها در این زمان است. مساله اصلی این است که چرا و چگونه مطالبات صنفی معلمان با مسائل سیاسی روز در آمیخته شد؟ معلمان در ابتدا تقاضاهای صنفی از جمله افزایش حقوق ماهیانه خود را داشتند، اما به دلیل شرایط جهانی و اوضاع و احوال داخلی اهداف سیاسی هم به جنبش آنها افزوده شد و این امر باعث گردید در نتیجه معلمان در مسیر مطالبات تا حدی به خواسته های خود دست یابند. این پژوهش نشان می دهد که اعتصابات، تشکل های صنفی و همکاری با سایر گروه های اجتماعی، از جمله راهبردهای اصلی معلمان برای تحقق مطالبات خود بوده است. روش تحقیق این مقاله تاریخی با رویکر کیفی بوده که با تطبیق داده ها و اطلاعات تاریخی به تحلیل منجر شده است. شیوه تدوین و نگارش توصیفی-تحلیلی است. و تلاش شده از اسناد، مطالب روزنامه ها، کتاب های مرتبط، نیز استفاده گردد.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، اعتراض، جنبش، معلمان، صنفی، مطالبات.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ ایران دوره اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران z.mirarabrazi@gmail.com

^۲ دانشیار گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Sinafrozesh@gmail.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنور، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

مقدمه

جنبش معلمان درسرتاسر ایران بزرگترین جنبش اجتماعی و مدنی بعد از نهضت ملی شدن نفت بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد همه گروههای سیاسی که خواسته هائی در چارچوب قانون اساسی داشتند به شدت سرکوب شدند، گروه های مخالفی مثل حزب توده هم، چنان در هم کوبیده شدند که هرگز نتوانستند به موقعیت زمان ملی شدن صنعت نفت بازگردند. از اواخر مردادماه سال ۱۳۳۲ تا پایان سال ۱۳۳۹ هیچ جنبش فراگیر اجتماعی و سیاسی در ایران مشاهده نشد، حتی گروههای تشکیل دهنده جبهه ملی هم به حاشیه رانده شدند. از اوایل سال ۱۳۴۰ بود که جنبش معلمان با خواسته های مشخص صنفی وارد میدان شد، این جنبش توانست ده ها هزار معلم و سپس توده های مردم را وارد میدان کند و به واقع بعد از جنبش ملی شدن صنعت نفت، فراگیرترین حرکت اجتماعی در کشور بود. این جنبش در زمانی شکل گرفت که مهندس جعفر شریف امامی منصب نخست وزیری را به دست داشت، و در زمان دکتر علی امینی به پیروزی رسید. نکته مهم این است که بعد از زمان مزبور، این جنبش هرگز به شکل خاص صنفی خود تکرار نشد، و جنبش های معلمان در سال های بعد روی داد ماهیتی دیگر داشت.

آغاز یک نهضت

در اواخر دهه ۱۳۳۰ به دلیل سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی دولت، اقتصاد ایران دچار کسر بودجه گردید. واردات ایران در سال ۱۳۳۸ نسبت به سال ۱۳۳۳ شش برابر افزایش یافته بود و کسر بودجه با برداشت بد محصول در سال‌های ۳۹ — ۱۳۳۸ هم‌زمان شد. این امر شاخص هزینه‌ی زندگی را به بیش از ۳۵ درصد افزایش داد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۱۸). بحران شدید اقتصادی شرایط زندگی را برای گروه‌های کم‌درآمد و ثابت جامعه مانند معلمان و کارگران سخت‌تر کرد. در این میان معلمان بیش‌ترین ضربه را از این وضعیت اقتصادی متحمل شدند و سرانجام دست به اعتصاب زدند. معلمان سراسر کشور ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ را روز معلم اعلام نمودند. در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ معلمان ایران بعنوان اعتراض به کمی حقوق ماهیانه خود اعتصاب کردند و میتینگ عظیمی در میدان بهارستان تشکیل دادند. (امید ایران، ۱۳۴۰، شماره ۲۲: ۷۶ و ۷۸).

مجله تهران مصور سال ۱۳۴۰ گزارشی از گرانی اجناس در دو سال گذشته را ارائه داد. طبق این گزارش در سال ۱۳۳۹ ش نسبت به سال ۱۳۳۸ ش حدود ۴۰ درصد بر نرخ اجناس افزوده شده است. در حالی که هیچ‌گونه درآمد اضافی به جیب مصرف‌کنندگان واقعی این اجناس نرفته است. (تهران مصور، ش ۹۳۴، ۶ مرداد ۱۳۴۰، صص ۹ و ۴۶)

در حالی که فرهنگ کشور در تباهی غوطه ور بود جامعه معلمان (باشگاه مهرگان) با تلاش و کوشش بسیاری جهت رشد و احقاق حقوق معلمان وارد میدان شد و مبارزات توأم با انتشار مدارک و اسناد مسلم بود و باعث گردید مردم ایران را بیشتر متوجه وضع اشفته فرهنگ کند و بر حامیان و پشتیبانان جامعه و مهرگان که بصورت یک سنگر مستحکم بر علیه ظلم و بیدادگری درآمده بود افزوده تر میگشت و آن گروه از معلمانی که تا آن تاریخ از بیم اخراج و انتظار خدمت به باشگاه نمی آمدند رفته رفته به خانه خود بازگشتند در آن روز وزارت فرهنگ با همکاری ساواک بازرسانی

موظف برای شناسائی معلمانی که به باشگاه مهرگان رفت و آمد میکردند در اطراف باشگاه گمارده بود. این فرهنگیان پس از شناسایی بلافاصله یا منتظر خدمت می شدند یا به شهرستان های بد اب و هوا و دور دست تبعید میگرددیدند. (خاطرات محمد درخشش و ضیا صدقی، ۱۹۸۳: ۱۷) مهرگان بار دیگر نیرو گرفت و با ترتیب دادن میتینگ ها و سخنرانی ها و پخش اعلامیه ها بر شدت مبارزات خود می افزودند و قطعنامه هایی با امضاء هزاران نفر از معلمان در روزنامه های اطلاعات و کیهان منتشر ساخت. (اطلاعات، ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ : شماره ۱۰۴۹۶).

در این بین فعالیت جامعه لیسانسیه ها و ارایه طرح افزایش حقوق آن باعث شد که معلمین سراسر کشور نسبت به فعالیت باشگاه ابراز تمایل کنند. باشگاه مهرگان برای آن که تعداد بیشتری را با خود همراه کند، از میان معلمین سراسر کشور که به باشگاه می آمدند، اشخاصی را انتخاب می کرد که نماینده باشگاه با معلمان آن شهر باشند و اخبار و اعلامیه های باشگاه را به همکاران خود در آن منطقه برسانند. به عنوان نمونه شخصی به نام بیت اللهی نمایندگی تبریز با باشگاه مهرگان را بر عهده داشت. (اسد بهرنگی، برادرم صمد بهرنگی؛ روایت زندگی و مرگ او، تبریز: نشر بهرنگی، چ سوم، ۱۳۸۶، صص ۸۱ و ۸۲) سعید وزیری معلم ادبیات شهر رودهن، رابط معلمان شهرستان دماوند و اطراف آن با باشگاه بود و اعلامیه های باشگاه را میان همکاران خود در این شهرستان توزیع می کرد. این حرکت های باشگاه موجب شد تا معلمان در سراسر کشور از فعالیت ها و اعلامیه های باشگاه و جامعه لیسانسیه ها اطلاع پیدا کنند و برای اولین بار در یک حرکت اعتراضی به جز تهران، فرهنگیان سایر مناطق کشور نیز با این مطالبات همراهی کنند. این در حالی بود که کنفدراسیون جهانی سازمان های معلمین نیز طی بیانیه ای در ۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ از تقاضای حق معلمین ایران برای دریافت حقوق و مزایای بیشتر پشتیبانی کرده بود و از دولت ایران می خواست در جلب رضایت خاطر معلمین ایران اقدام لازم را به عمل آورد. (کیهان، ش ۵۳۳۷۰، ۲ اردیبهشت ۱۳۴۰، ص ۱۶).

در دی ماه ۱۳۳۹ ش از طرف باشگاه مهرگان و محمد درخشش طرحی تهیه شد که به موجب آن حداقل حقوق معلمین با رتبه پایین شش هزار ریال (۶۰۰۰ ریال) در ماه تعیین گردید. سپس از طرف باشگاه به مدارس تهران اطلاع داده شد که نماینده معلمین هر مدرسه برای تصویب طرح به باشگاه بیایند. (امید ایران، ش ۳۵۶، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۰، ص ۷۶) معلمین داوطلب از مدرسه و منطقه آموزشی خود در باشگاه حاضر و ضمن تأیید و تصویب طرح، به عنوان رابط بین باشگاه و معلمین ناحیه خود نیز انتخاب شدند. باشگاه طرح تهیه شده را به وزارت فرهنگ و وزیر آن دکتر جهانشاه صالح فرستاد و طی اطلاعیه‌ای جریان تصویب آن را به شریف امامی، نخست‌وزیر وقت اطلاع داد (امید ایران، همان) اما هیچ واکنشی از سوی وزیر فرهنگ و نخست‌وزیر بروز نکرد.

گرانی روز افزون هزینه زندگی و ناچیزبودن حقوق معلمان و به تعویق افتادن رتبه های قانونی آنها و همچنین بالا گرفتن فساد و تباهی در فرهنگ کشور صفوف معلمین را که در تنگدستی بودند را برای مبارزه فشرده تر مینمود. اکثر معلمان ماهیانه ۱۵۰ تومان حقوق میگرفتند و بالاترین حقوقها نیز از هزارتومن تجاوز نمیکرد. رژیم حاکم که از معلمان نگران شده بود به اجبار وزیر فرهنگ وقت را تغییر داد و دکتر عیسی صدیق (عبداله پور، ۱۳۶۹: ۱۲۷) را برای بار پنجم به وزارت فرهنگ در آورد. وزارت او نیز چند هفته بیشتر دوام نکرد زیرا تعویض مهره‌های مشابه بدون تغییرات بنیادین و اساسی هیچ وقت مشکلی را حل نکرده است. این بار دکتر جهانشاه صالح بعنوان وزیر فرهنگ به میدان آمد و به او قول دادند که اگر فرهنگیان را ساکت کند به نخست‌وزیری خواهد رسید ضمناً مهندس شریف امامی نخست‌وزیر وقت ماموریت یافت که با هیئت مدیره باشگاه مهرگان داخل مذاکره شود و جهانشاه صالح نامه رسمی به باشگاه نوشت و خود را خدمتگذار معلم معرفی کرد. اما محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌ها و فساد دست‌هم‌دادند و معلمان را برای مبارزات قاطع و جدی آماده تر ساخت معلمان دریافتند که تنها راه نجات بوجود آوردن وحدت و یکپارچگی و استفاده از نیروی خود علیه مظالم هیئت حاکمه است. به همین دلیل روز به روز صفوف معلمان فشرده تر گشت و باشگاه مهرگان

که طی چندین سال مبارزه توانسته بود سمبل و پیشقدم مبارزات فرهنگی و اجتماعی باشد پاسخ مثبت داد و سیل معلمان خشمگین بار دیگر بسوی باشگاه مهرگان سرازیر شدند. معلمان شهرستان ها نیز با فرستادن نمایندگان و نامه ها و تلگراف ها همبستگی و همگامی خود را با باشگاه مهرگان بار دیگر اعلام نمودند. در اندک مدتی سازمانی قوی متشکل از نمایندگان معلمین تهران و شهرستانها بوجود آمد. شریف امامی گاه با تهدید و گاه با وعده و وعید پوچ سعی فراوان برای فرونشاندن خشم و نارضایتی معلمان مینمود و سازمان امنیت نیز با تمام قوا داخل معرکه شده بود و با تهدید و توقیف فعالین باشگاه و بوجود آوردن صحنه سازی های مصنوعی و فرستادن عمال خود در میان جمعیت به قصد آشوب و بر هم زدن جامعه معلمان اقداماتی انجام می داد و کوشش بی فایده برای تهدید و ارباب معلمان می نمودند که همه این اعمال فرهنگیان را متشکل تر و آماده تر میساخت. (خاطرات محمد درخشش و ضیا صدقی، ۱۹۸۳، ص ۲۲) روز ۱۷ اسفند ۱۳۳۹ بعنوان روز اعتراض معلم اعلام گردید بر طبق برنامه قبلی در این روز معلمین میبایستی در سرکلاس درس حاضر میشدند اما سکوت میکردند و از تدریس خودداری می نمودند روز ۱۷ اسفند فرا رسید و استقبالی که فرهنگیان و دانش آموزان سراسر کشور از این برنامه بعمل آوردند حیرت انگیز و غرور امیز بود سکوت اعتراض امیز معلم و شاگرد علاوه بر اینکه بزرگترین درس اجتماعی و اخلاقی برای جوانان و دانش آموزان بود اثر عمیقی در جلب همکاری و شرکت مردم ایران در مبارزات معلمان کشور داشت. به علت بحران سیاسی و سیاستهای سخت گیرانه ای دولت، دیگر قشرهای جامعه در تهران با معلمین هم دردی کردند. دانشگاه تهران در حمایت از اعتصاب معلمین بسته شد. جبهه ای ملی دوم اعلامیه ای تحت عنوان «دولت معلم کش» منتشر کرد و ضمن محکوم ساختن جنایت مردم را به ادامه ی مبارزه برای کسب آزادی بیشتر تشویق نمود. (نجاتی، ۱۳۷۳: ۱۷۳) بازاریان میدان بهارستان در حمایت از معلمان مغازه های خود را بستند و در مقابل بازار مرکزی تظاهراتی برگزار شد.

عصر روز ۱۷ اسفند اجتماع باشگاه مهرگان عظمت و شکوهی فوق العاده داشت و معلمان از پیروزی خود در یک تصمیم گیری دسته جمعی ان هم

در آن دوران اختناق مباحثات می نمودند در اینجا بود که لذت اتحاد و یگانگی و پیروزی در زندگی را دریافته بودند. (اطلاعات، یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۳۹، شماره ۱۰۴۲۸)

در این جلسه روزنامه اطلاعات که مقالاتی بدستور رژیم حاکم و ساواک بر علیه معلمان نوشته بود تحریم شد. تحریم روزنامه اطلاعات بدان اندازه موثر واقع گشت که فردای آن روز روزنامه ها در روزنامه فروشی ها بجای ماند و کار بجایی رسید که گروه زیادی از فروشندگان روزنامه از قبول روزنامه اطلاعات و فروش آن خودداری کردند گرچه مدیر روزنامه اطلاعات نیز در شماره های بعدی با معذرت خواهی از معلمان در صدد جبران خطای خود برآمد ولی تاثیر این تحریم تا سالها باقی ماند.

در ایام نوروز سال ۱۳۴۰ ش، جهانشاه صالح در سفری به کاشان اعلام کرد: برای کمک به معلمین ۵۳ میلیون تومان اعتبار تأمین شده است. (اطلاعات، سال ۳۵، ش ۱۰۴۶۴، ۸ فروردین ۱۳۴۰، ص ۱۴)

پس از تعطیلات نوروزی و دایر شدن مدارس، معلمین مجدداً خواستار مطرح شدن طرح پیشنهادی خود شدند. چون در اواخر فروردین لایحه بودجه سال ۱۳۴۰ ش در مجلس شورای ملی مطرح و در حال بررسی بود، لذا باشگاه مهرگان شرحی به دکتر جهانشاه صالح نوشت و تقاضای تصویب طرح حقوق معلمان را کرد. دکتر صالح به آن‌ها وعده مساعدت داد و طرح پاداشی را تهیه کرد که به هر معلمی ۹۷۰ ریال به عنوان پاداش پرداخت می‌شد. این طرح چون خواسته معلمین را برآورده نمی‌کرد مورد موافقت آن‌ها قرار نگرفت. (امید ایران، همان، صص ۷۶ و ۷۷)

از دیگر ابتکارات و نمایش نیروی معلمان این بود که به تصمیم مجمع عمومی معلمان باشگاه مهرگان اعلام نمود که برای مخارج جاری ضروری و پرداخت حقوق معلمانی که در راه مبارزه منتظر خدمت و یا توقیف میشوند معلمانی سراسر کشور برابر یک روز حقوق خود را در بانک ملی ایران به حساب مخصوص که حساب معلم بود گذاشتند. و این عمل نیز با موفقیت انجام شد و با اینکه حقوق یک روزه تعداد کثیری از معلمان در حدود پنج تومان بود طبق صورت رسمی و اعلامیه بانک ملی ایران معلمان

سراسر کشور نیز تماماً این کار را کردند و مبلغی حدود ۹۷۹ و ۶۵/۴۱۵... ریال به بانک گذاشتند و هر روز صفوف طولانی جلوی بانک ملی در خیابان فردوسی بوجود می آمد. (خاطرات محمد درخشش و ضیا صدقی، ۱۳۶۲: ۳۶) که خود این در تقویت روحیه معلمان موثر بود و تحسین مردم را نیز به این اتحاد و همبستگی برانگیخت. شریف امامی معاون خود را به باشگاه فرستاد اما معلمان به او مجال صحبت ندادند و عذر او را خواستند دولت که از طریق تهدید و توقیف و تطمیع و ایجاد تفرقه بین معلمان مایوس شد بالاخره تصمیم خود را در یک روش جدی برای سرکوب معلمان گرفتن البته باید اشاره گردد که جامعه معلمان ایران عضو کنفدراسیون جهانی معلمان بود سیل تلگراف ها و نامه های جوامع ملی و بین المللی فرهنگیان سراسر جهان مبنی بر پشتیبانی همه جانبه از مبارزات معلمان ایران از طرفی موجب تقویت روحیه فرهنگیان گردیده بود و از طرفی باعث ترس و وحشت رژیم حاکم بود حضور مخبرین خارجی و نمایندگان رادیو تلویزیون در مجامع عمومی و فرهنگیان ایران و انعکاس اخبار معلمان و فعالیت های آنان جنبه بین المللی پیدا کرده بود و همه این مسائل موجب ترس در حکومت گردیده بود.

همچنین در روزنامه اطلاعات شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ ماه سال ۳۵ شماره ۱۰۴۸۴ آمده بود که: کنفدراسیون جهانی سازمانهای معلمی وابسته به سازمان ملل متحد از معلمان ایران پشتیبانی می کند. تلگرافی از طرف دکتر ج ویلیام کار دبیرکل کنفدراسیون از واشنگتن به جامعه معلمان ایران مخابره شده است:

محمد درخشش: جامعه معلمان ایران: باشگاه مهرگان: تهران
اینجانب از طرف کنفدراسیون جهانی سازمانها معلمان از تقاضاهای حقه معلمان ایران برای دریافت حقوق مزایای بیشتر پشتیبانی نموده موفقیت معلمان ایران را برای نیل به پیروزی خواهانم امیدوارم دولت ایران برای تحکیم مبانی فرهنگ و تربیت جوانان ایران در جلب رضایت خاطر معلمان ایران اقدام لازم به عمل آورد لطفاً این پیغام را به استحضار اولیای دولت ایران رسانیده و در روزنامه نشر دهید و نتیجه را به اینجانب مستحضر

فرمایید. بدین ترتیب حرکت جامعه لیسانسیه‌ها با حمایت نهادی بین‌المللی نیز همراه شد.

در پیش از ظهر روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۰ جهان‌شاه صالح لایحه تازه‌ای با عنوان لایحه (طرح جدید حقوق فرهنگیان) را با قید فوریت به مجلس ارایه داد. بر اساس این لایحه حداقل حقوق برای معلمین پنج هزار ریال (۵۰۰۰ ریال) در نظر گرفته شده بود. در مجلس طرح فوریت لایحه به بعد از تصویب لایحه بودجه موکول شد. چون این لایحه قطع‌نامه تصویب شده معلمان را به طور کامل پوشش نمی‌داد، لذا در عصر همان روز تعداد زیادی از معلمین در باشگاه مهرگان جمع شدند، به طوری که تمام سالن‌ها، اتاق‌ها و حیاط و کوچه کاخ که به دو خیابان لاله‌زار و سعدی متصل می‌شد، پر از جمعیت شد. در آن اجتماع اعلامیه‌ای صادر و اعلام شد:

معلمین در برابر این همه بی‌اعتنایی به حقوق خود و با توجه به مسئولیتی که در تأمین معاش خانواده‌های خود بر عهده دارند، چاره‌ای جز ترک کار ندارند و از روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه جاری اعلام اعتصاب عمومی می‌نمایند و از ادامه تدریس و انجام امتحانات اعم از داخلی و نهایی خودداری خواهند کرد و شروع مجدد کار موکول به اجرای کامل ماده ۱۲ تعلیمات اجباری (طرح باشگاه مهرگان) خواهد بود. (فردوسی، ش ۴۹۰، ۲ اردیبهشت ۱۳۴۰، ص ۲)

سپس با دادن شعارهایی در تأیید اعتصاب محل را ترک کردند. فردای آن روز جهان‌شاه صالح طی مصاحبه مطبوعاتی در واکنش به اعلام اعتصاب باشگاه گفت: دولت آن چه مقدراتش اجازه می‌داد انجام داده، ولی چنانچه اشخاصی بخواهند از نیت صادقانه معلمین سوءاستفاده کنند، دولت در نهایت شدت با آن‌ها مبارزه خواهد کرد، زیرا دولت موظف است امنیت را در مملکت حفظ کند. (اطلاعات، ش ۱۰۴۹۲، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۰، ص ۲۱) مهرگان مقدمات اعتصاب همگانی را به سرعت فراهم کرد و وظایف رابطین تهران و شهرستان‌ها را در دوران اعتصاب معلمین معین کرده بود. در مجمع عمومی معلمین پایتخت که عصر روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه شرکت جمعیتی بالغ بر سی هزار نفر از معلمان و دانشجویان

و دانش آموزان و سایر طبقات در باشگاه و خیابان های اطراف آن بودند و ۱۲ اردیبهشت را روز اعتصاب عمومی معلمان سراسر کشور اعلام نمودند و پس از این جلسه بود که محمد درخشش بوسیله سازمان امنیت توقیف و به زندان قزل قلعه فرستاده شد و بعنوان قیام بر علیه سلطنت مشروطه که جرم آن اعدام است در دادگاه های نظامی تحت محاکمه قرار گرفت. باشگاه مهرگان بوسیله پلیس و نظامی ها اشغال شد و تمام اوراق و اسناد و کتابها و مدارک و روزنامه های آن بوسیله کامیون های پلیس به سازمان امنیت برده شد و یک برگ از این مدارک هیچ وقت مسترد نگردید و حتی در زمان تصدی وزارت فرهنگ آقای درخشش به بهانه آنکه همه آنها را آتش زده بودند ساواک از استرداد مایملک باشگاه خودداری نمود. (معلم اردیبهشت ۱۳۵۸: ۱۹) با وجود تهدید وزیر فرهنگ و دستگیری درخشش و بسته شدن باشگاه، معلمان تصمیم خود را برای آغاز اعتصاب گرفته بودند و ظاهراً هیچ عاملی نمی توانست آن ها را از این تصمیم منصرف کند.

میتینگ عظیم در میدان بهارستان

از ساعت ۸ صبح روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه معلمان و دانش آموزان و گروه هایی از طبقات مختلف مردم بسوی وزارت فرهنگ و بهارستان به راه افتادند ولی تمام این نقاط و خیابان های اطراف آن ها بوسیله نظامیان و پلیس قبلاً اشغال شده بود. جمعیت عظیم و انبوهی که آن بر تعداد آن افزوده می گشت. از طریق خیابان شاه آباد و سایر خیابان های اطراف بهارستان صفوف سربازان را شکافتند و به میدان بهارستان هجوم بردند و در مدت کوتاهی میدان بهارستان، خیابان نظامیه، سرچشمه و کوچه های اطراف آن مملو از جمعیت شد و ماشین های آب پاش بکار افتاد تا جمعیت را متفرق سازد ولی چون این عمل آنها کوچکترین نتیجه ای نداشت تیراندازی شروع شد و در اولین لحظات یک دبیر به نام «ابوالحسن خانعلی» دبیر دبیرستان جامی و دانشجوی دکترای رشته فلسفه و مجروح شدن ۲ معلم به نام های «شرق» و «احدیان» و دانش آموزی به نام «سیاوش باباوندی» گردید. این

حادثه باعث شد که تظاهرات به حد اعلاى خود برسد و تظاهرکنندگان آزادی درخشش و دایر شدن باشگاه مهرگان را به خواسته‌های خود بیافزوند. دکترخانعلی مجاهد مبارز هدف گلوله قرار گرفت و در دم جان سپرد گروهی از فرهنگیان و دانشجویان و دانش‌آموزان مجروح شدند که به وسیله مردم به بیمارستان سینا منقل گردید. (تهران مصور، ش ۹۲۳، ص ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۰، ص ۵) انبوه جمعیت از این عمل وحشیانه پلیس و نظامیان سخت برآشفت و بی باکانه به آنها یورش برد. رژیم که وضع را چنین دید به هراس افتاد و به قوای انتظامی دستور داد که از میدان بهارستان خارج شوند. نخست‌وزیر وقت در خاطرات خود، ادعا می‌کند که دستور داده بود به هیچ وجه با معلمین معترض برخورد فیزیکی صورت نگیرد. (جعفر شریف امامی، خاطرات جعفر شریف امامی با حبیب لاجوردی طرح تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، تهران: نگاه امروز، ۱۳۸۰، صص ۲۳۵ و ۲۳۶) سرگرد ناصر شهرستانی رئیس کلانتری شماره ۲ بهارستان در دادگاه خود اظهار کرد که از تجمع معترضین از طریق شهربانی مطلع بوده است. به همین دلیل به ۳۰ نفر از مأمورین شهربانی دستور داده تا ورودی خیابان شاه‌آباد به میدان بهارستان را ببندند. سپس به دستور رئیس پلیس تهران، سرهنگ محسن مبصر سه ماشین آب‌پاش آتش‌نشانی برای مقابله با معترضین به میدان اعزام شدند.

(اطلاعات، سال ۳۶، ش ۱۰۸۶۲، ۹ آبان ۱۳۴۱، ص ۲۱)

مقارن ساعت ۱۱ قطعنامه میتینگ بزرگ بهارستان توسط یکی از اعضای کادر اعتصاب بدین شرح خوانده شد:

۱. محمد درخشش رهبر معلمین ایران که برخلاف قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر توقیف و در زندان بسر میبرد هرچه زودتر و بدون هیچ قید و شرطی باید آزاد شود و به اغوش فرهنگیان باز گردد.

۲. باشگاه مهرگان خانه و ماوای هزاران معلم زحمتکش و محروم ایران که بدون هیچگونه مجوز قانونی باشغال قوای نظامی در آمده است که باید به روی فرهنگیان باز شود.

۳. معلمین مبارز و غیور شهرستان‌ها که برخلاف اصول انسانی گروه گروه به زندان‌ها برده شدند باید آزاد شوند.

۴. دولت موظف است خواسته های فرهنگیان را مبنی بر تصویب اشل باشگاه مهرگان و طرد عناصر فاسد از دستگاه تعلیم و تربیت کشور بدون هیچ کم و کاستی فوراً اجرا نماید.

۵. اعتصاب معلمان بصورت نامحدود همچنان در سراسر مملکت تا حصول نتیجه قطعی ادامه خواهد داشت و قاطبه فرهنگیان دولت را مسئول هرگونه عواقب نامطلوب اعتصاب می دانند. (کیهان، شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰ شماره ۵۳۴۹)

در همین هنگام در مجلس الهیار صالح نماینده کاشان نطق شدید الحنی بر علیه دولت ایراد نمود و آقای جعفر بهبهانی و ارسلان خلعت بری نیز دولت را استیضاح نمودند. پس از قرائت قطعنامه میتینگ سیل جمعیت بسوی باشگاه مهرگان به راه افتاد و انجا را نیز از اشغال نیروی انتظامی خارج ساختند در اینجا دیگر مسئله معلم و حقوق معلم نبود بلکه نبرد مردم علیه اختناق و استبداد هیئت حاکمه بود یک جمعیت پانصد هزار نفری باشگاه مهرگان و خیابان های اطراف را فرا گرفت و همه فریاد میزدند ما آزادی می خواهیم. هیئت حاکمه که به وحشت افتاده بود عقب نشینی کرد هم چنین باعث گردید که تعدادی از نمایندگان فرهنگی برای مذاکره در این مورد به مجلس فرستاده شوند. (امید ایران، ۱۳۴۰، شماره ۲۲ : ۷۹) و فرهنگیان توقیف شده در تهران و شهرستان ها را آزاد کردند از جمله محمد درخشش آزاد شد. از این تاریخ به بعد مبارزه صنفی معلمان تبدیل به مبارزه سیاسی شد و شعار معلمان همراه با سایر طبقات "زنده باد آزادی" بود. پس از پایان این میتینگ عظیم گروه زیادی برای دادن خون و عیادت همکاران معجروح خود عازم بیمارستان شدند و صف داوطلبان اهداء خون به یک کیلومتر رسید. یه گروه هزار نفری هم از سمت باشگاه مهرگان مامور پاسداری از جنازه دکتر خانعلی در مسجد اسکندری شدند زیرا ماموران ساواک و انتظامی تصمیم داشتند که برای جلوگیری از تشییع جنازه دکتر خانعلی، آن را شبانه بگیرند و در ساعت دو و نیم نیمه شب کامیون های سربازان مسلح برای بردن جنازه دکتر خانعلی جلوی مسجد متوقف شدند اما معلمان پاسدار به کمک اهالی محلی و جمعیت چند هزار نفری که

به تدریج گرد آمده بودند سربازان را مجبور به بازگشت نمودند. (مجله معلم اردیبهشت ۱۳۵۸: ۱۶)

بزرگترین راه پیمائی بسوی میدان بهارستان

روز سوم اعتصاب فرهنگیان و دانش آموزان و دانشجویان یکی از بزرگترین راه پیمائی ها را از باشگاه مهرگان بسوی میدان بهارستان ترتیب دادند. در این راه پیمائی روحانیون نیز حضور داشتند پس از آن بانوان با لباس سیاه و معلمان و دانشجویان و دانش آموزان و سایر طبقات با بازو بند سیاه در صفوف منظم بحرکت درآمدند و در پیشاپیش هرگروه آیاتی از قران مجید در بلندگوها قرائت میگردید. خیابان های سعدی شمالی و لاله زار و استلامبول و نظامیه و سرچشمه و شاه اباد و ژاله مملو از جمعیت شد در این اجتماع عظیم پس از سخنرانی نمایندگان گروه ها و دستجات مختلف قطعنامه باشگاه مهرگان در پنج ماده مجددا قرائت شد که در ماده اول آن اعلام گردیده بود: دولت شریف امامی باید هرچه زودتر استعفا دهد و بلاخره فشار افکار عمومی دولت را وادار به استعفا کرد. اما اعتصاب معلمان همچنان ادامه داشت. (اطلاعات، یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ شماره ۱۰۴۹۷)

مجمع عمومی معلمان تقاضای نخست وزیر جدید را رد کرد

نخست وزیر جدید دکتر علی امینی که بجای دولت شریف امامی بر سرکار آمد به باشگاه مهرگان رفت و از معلمان درخواست نمود که به اعتصاب خود خاتمه دهند تا دولت در سر فرصت خواستهای آنها را برآورده سازد معلمان به او تاختند و از او خواستند که فوراً باشگاه را ترک کند و اعلام نمودند که تا اجرای مواد کاملی قطعنامه به اعتصاب خود ادامه دهند. دولت جدید نیز به تکاپو افتاد و بالاخره جز تسلیم در برابر اراده معلمین چاره ای نداشت به ناچار از جامعه معلمین دعوت نمود که نمایندگان خود را به هیئت دولت بفرستد در جلسات فوق العاده هیئت دولت طرح باشگاه مهرگان درباره اشل حقوق معلمان مورد بررسی قرار گرفت و نمایندگان باشگاه با کوچکترین تغییری در آن طرح حتی تغییر عبارتی موافقت نکردند هیئت دولت اشل حقوق باشگاه مهرگان را پذیرفت و تصویب نامه ای

بر مبنای آن صادر نمود. متنها اجراء تصویب نامه را موکول به داشتن اعتبار نمود. (کیهان، سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ شماره ۵۳۵۲)

۲۳ اردیبهشت ماه روز پیروزی معلمان

تصویب نامه هیئت دولت در جلسه عمومی باشگاه مهرگان قرائت شد مجمع عمومی تصمیم گرفت به اعتصاب خود پایان دهد. از فردای آن روز مدارس کشور طبق تصمیم مجمع عمومی شروع به کار کردند و معلمان در ساعات فوق العاده تدریس عقب ماندگی های دانش آموزان را جبران نمودند. یکی از ویژگی های این مبارزه در این بود که هیچ حرکت یا عملی نظر فردی دخالت نداشت و در هر شرایط و موقعیتی برای هر اقدامی ولو اقدام جزئی مجمع عمومی نظر و رای میدادند. در سراسر کشور حتی در روستاهای دور و تهران اعتصاب و راهپیمائی و مجالس ختم برای دکترخانعلی برگزار گردید. و در شب هفت دکترخانعلی باشگاه مهرگان مراسمی داشت که حدود ۲۰۰ هزار نفر در آن شرکت نمودند در این شب در این بابویه آرامگاه دکتر خانعلی نمایندگان تمام اصناف و دستجات سخنرانی کردند و به معلمان و بازماندگان تسلیت گفتند و نظیر آن در سراسر کشور نیز برگزار گردید. (کیهان، شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۰ شماره ۵۳۵۵)

بدین ترتیب حرکت اعتراضی ده روزه معلمان به پایان رسید و از روز ۲۳ اردیبهشت مدارس سراسر کشور بازگشایی شد. (اطلاعات سال ۳۵ شماره ۱۰۵۰۲ شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰)

در روز بعد از سوی هیئت دولت به اداره کارگزینی وزارت فرهنگ دستور داده شد که ابلاغ جدید معلمان را با توجه به تصویب نامه هیئت وزیران صادر کند. طبق این اشل حقوقی، حداقل حقوق معلمان که مربوط به کمک آموزگاران و آموزگاران بود، به ۵۰۰۰ ریال در ماه افزایش یافت. (اطلاعات، ش ۱۰۵۳، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۰، صص ۱ و ۲۱)

حکومت جامعه معلمان ایران بر فرهنگ کشور

پس از پایان اعتصاب و افتتاح مدارس وزارت فرهنگ تا مدتی وزیر نداشت زیرا با تعهد دولت نسبت به پرداخت حقوق معلمان و همچنین پیروزی معلمان در سقوط دولت شریف امامی و یکپارچگی و وحدتی که بین این

طبقه روشنفکر بوجود آمده بود هیچکس جرات قبول وزارت را نداشت و با اینکه این سمت به چند نفر از اساتید دانشگاه و معمرین فرهنگ پیشنهاد شد هیچکس زیر بار این مسئولیت سنگین نرفت. دولت به ناچار به سراغ جامعه معلمان آمد و چون انجام تعهدات دولت در پرداخت حقوق معلمان با نبود کوچکترین امکانات مالی غیر ممکن بنظر میرسید شاه و عوامل او دل خوش بودند که اداره وزارت فرهنگ بدست باشگاه مهرگان موجب از بین رفتن تدریجی حیثیت و اعتبار جامعه معلمان و پراکندگی آنها خواهد شد و سپردن وزارت فرهنگ به دست معلمان را بعنوان یک اقدام موفقیت امیز برای خود پنداشته و محمد درخشش را به وزارت فرهنگ دعوت کردند ولی آنان قبول این امر را موکول به اراده معلمان کردند. به همین دلیل درخشش پیشنهاد دولت را در مجمع عمومی باشگاه مهرگان که اکثریت آن معلمان بودند مطرح نمود و پس از سخنرانی موافقان و مخالفان بالاخره در رای گیری اکثریت وزارت درخشش را تصویب کردند. و او با بسیاری مشکلات و مقاومت گروه ها و افراد و عوامل درباری و ساواک و ورشکستگی دولت این خدمت را با اراده معلمان پذیرفت اما در اینجا دیگر وزارت شخص نبود بلکه حکومت حکومت معلم بود. و این جامعه معلمان ایران بود که وزارت فرهنگ را اداره میکرد. و این نیروی معلمان بود که به چنان توفیق های غیر تصویری دست یافته بود. درست یک هفته بعد از شروع کار گروه های داخلی و خارجی مخالف برخاستند. اعضای مخالف وزارت فرهنگ که از کار برکنار شده بودند به اتفاق عده ای از چاقو کشان حرفه ای با حمایت دربار و هدایت مستقیم ساواک به وزارت فرهنگ هجوم بردند تا وزیر فرهنگ را مضروب و از وزارت فرهنگ بیرون کنند. در مقابل گروه زیادی از معلمان به مقابله برخاستند و نزاع بین طرفین در صحن وزارت فرهنگ در گرفت. کادر پلیس کلانتری ۲ بهارستان بدستور ساواک به حمایت چاقو کشان و عوامل ساواک برخاست اما در این زد و خورد که هر ان به تعداد معلمان افزوده می شد به ناچار نیروی امنیتی عقب نشینی کرد و همه آن ها در مقابل نیروی معلمان که تمام صحن وزارت فرهنگ و قسمتی از خیابان مقابل آن را پوشانیده بود تاب مقاومت نیاوردند و فرار کردند. این صحنه ها چندین بار تکرار شد و در هر بار که معلمان از

خانه خود نگهبانی میکردند آنان را تارومار ساختند. مدت حکومت فرهنگیان یکسال تحصیلی بیشتر نبود. در این دوره کوتاه معلمان سراسر کشور با فداکاری دلسوزانه و شبانه روزی خود موفق به تحولات اساسی در محیط فرهنگ شدند انتصابات وزارت فرهنگ از فرمان شاه و ساواک خارج شد و دزدان و عوامل هیئت حاکمه فاسد از فرهنگ رانده شدند و دست شاپورها و خواهران شاه و دلالان خارجی هم از حفريات باستانشناسی قطع شد و اموال اوقافی را از دست غارتگران خارج گردید و اراده معلم با یک سیستم دموکراسی انتخاباتی در تمام سطوح در دانشگاه ها و مدارس و سازمان های اداری حاکم بر سرنوشت فرهنگ گردید حقوق معلمان از صرفه جوئی های فرهنگ و بودجه هایی که به یغما میرفت افزایش یافت این صرفه جوئی ها از حقوق هزاران کارمندی بدست می آمد که وجود خارجی نداشتند اما اسامی آن ها در لیست حقوق بگیران بود. از مدرسی که مدیر و ناظم و معلم و محل اجاره ای داشت اما چنین مدرسی فقط در خیال دزدان ساخته شده بود. از قطع کمک هزینه تحصیلی هزاران نفر از فرزندان هیئت حاکمه از قبیل درباریان و تیمساران و وزراء و استادان و ثروتمندان بنام کشور از انحلال ده ها تشکیلات زائد در داخل و خارج کشور از تعدیل اجاره بهای خلنه هایی که به چند برابر قیمت اجاره کرده بودند که تعداد زیادی از آن ها به علت عدم احتیاج تخلیه و به صاحبان شان واگذار گردید. از برکناری کار هزاران نفر از بستگان رجال و عمال مستقیم ساواک که حقوق ماهانه و فوق العاده و اضافه کار دریافت میکردند اما به دزدی و فساد می پرداختند و یا بنام معلم مدارس حقوق می گرفتند بدون آنکه کاری انجام دهند. از حذف سرپرستی ها در خارج از کشور و بورس ها و قطع مسافرت های برخی و از قطع بودجه ۸۰ میلیون ریالی اشرف پهلوی بنام سازمان شاهنشاهی دریافت میکرد. و از قطع ماهیانه های باشگاه ها از جمله باشگاه شعبان جعفری و از پس گرفتن حق تالیف های هزاران کتاب از مولفین که کتابی ننوشته بودند و

(خاطرات محمد درخشش و ضیا صدقی، ۱۹۸۳: ۲۷)

همه این ها جمع شد و برای ترمیم حقوق معلمان و استخدام هزاران آموزگار و دبیر و تهیه وسایل تحصیلی فرزندان کشور و ساختمان مدارس

در زمین های اوقاف بکار رفت. بعنوان مثال در حصارک کرج وزارت فرهنگ سرگرم ساختمان دو مدرسه انگلیسی شبانه روزی برای چهارصد نفر دختر و پسر از اعیان زادگان که نمی خواستند فرزندان شان را از خود دور کنند و به انگلستان بفرستند با بودجه ۶۰ میلیون تومان بود که این ساختمان بعد از صرف ۷ میلیون تومانی که مصرف کرده بود متوقف شده بود و وجوه آن به مصرف ساختمان و افتتاح صد ها مدرسه در روستاها در سراسر کشور شد در همان یک سال از بودجه اوقاف و زمین های اوقافی که از غارتگران پس گرفته شد صد ها مدرسه ساختند ۷۵۰ هزار متر زمین خالصه در جوار هتل هیلتون برای اپارتمان سازی برای کلیه فرهنگیان تهران و چهار قطعه زمین وسیع برای بیمارستان (باشگاه فرهنگیان در خیابان کاشان یکی از محل هایی بود که به بیمارستان اختصاص یافته بود اما دولت برای مبارزه با باشگاه مهرگان آن را تبدیل به باشگاه کرده بود) صد ها هزار متر زمین در شهرستان ها برای خانه سازی معلمان و صد ها هزار زمین در کنار دریا به مالکیت وزارت فرهنگ در آمد و حتی چندین قرار داد برای اپارتمان سازی نیز به امضا رسید اما همه این اموال معلمان پس از پایان دوران حکومت معلمان بر فرهنگ برای تنبیه آنها که اعتصاب کرده بودند از تصرف وزارت فرهنگ خارج شد. در زمینه امور برنامه ای و اصلاحی که گذشت علاوه بر اینکه بهاء کتابهای درسی به یک چهارم تنزل کرد مطالب ان برمبنای اصول علمی و تربیتی بوسیله شورای معلمان تهیه و به چاپ رسید. برنامه نوین فرهنگ کشور بر اساس نیازمندی های یک جامعه مترقی با مشورت و همکاری معلمان سراسر کشور تدوین و تنظیم گردید. که در زمان وزارت دکتر خانلری شورای عالی فرهنگ اجرای این برنامه را مسکوت گذاشت. امتحانات از دست مدارس خارج و بصورت امتحانات نهائی درآمد و کارنامه فروشی و دیپلم فروشی تعطیل شد. تمام آئین نامه ها با نظر معلمان تهیه و تنظیم گردید. مدارس حرفه ای برمبنای نیازمندی های کشور به نسبت وسیعی توسعه یافت. روستاهای کشور برنامه ای جداگانه برای رشد و توسعه کشاورزی تهیه و تنظیم کردند. کلیه مستشاران امریکایی کنار گذاشته شدند و رشته برنامه ریزی و مشورت آنان به کلی تعطیل گردید. اشل حقوق مهندسان برای جلب مهندسان جدید به وزارت فرهنگ

برای رشته های حرفه ای و کشاورزی بالا رفت. مسابقات علمی بین دانش آموزان سراسر کشور برقرار شد کتابهای اجتماعی ارزان و مجلات هفتگی و چند مجله علمی بدون سانسور با مشکلات زیادی که ساواک بوجود آورده بود انتشار یافت. مبارزه با بی سوادی به معنای واقعی و توسعه فرهنگ در سراسر کشور برای اینکه کلیه اطفال واجل التعليم به مدرسه راه یابند از جمله اقدامات وزارت فرهنگ در آن دوران بود کلیه دانشجویان دانشگاه ها امادگی خود را برای مبارزه رایگان علیه بی سوادی اعلام و مشغول کار شدند. بسیاری از معلمان برای کمک به وزارت فرهنگ ساعات بیکاری خود را صرف تدریس رایگان نمودند. کمیسیون مخصوص هدف آموزش و پرورش در وزارت فرهنگ برای اظهار نظر متفکران تشکیل گردید از جمله جلال ال احمد کتاب غرزدگی خود را برای این کمیسیون تهیه و در جلسات متعدد آن را قرائت نمود. بسیاری از نوشته و نشریات در معرض بحث و افکار اعضای کمیسیون قرار گرفت. که وزارت فرهنگ تصمیم داشت همه آن ها را با تیراژ بسیار وسیع و قیمت های نازل منتشر کند انجمن های کلیه رشته های تحصیلی از معلمین و دانش آموزان تشکیل گردید. در این انجمن ها تمام مواد درسی مورد بحث و تجلید نظر قرار گرفت و اما عمر حکومت معلمان کوتاه بود (همان: ۳۹)

نتیجه گیری

باتوجه به اینکه اقتصاد ایران در اواخر دهه ۳۰ و منتهی به سال های ۱۳۴۰ به بعد ضعیف می شود و واردات در ایران بیشتر می شود باعث می گردد قشر معلم که از قبل هم حقوق شان پایین بود و از لحاظ معیشت در تنگنا بودند در این میان بیشترین ضربه را از این وضعیت اقتصادی متحمل شوند و دست به اعتصاب بزنند در این برهه از زمان اعتراضاتشان انباشته شده و به یکباره به حلت انفجار درآمد و اولین گروه هایی که به خود جرات دادند که اعتراض کنند معلمان بودند و پیشتاز همه گروه ها بودند که باعث گردید بسیاری از اقشار به حمایت از معلمان به پا خیزند و این اعتراضات ادامه یابد. خواسته معلمان بصورت کلی برای اینکه اعتراض خود را نشان دهند جنبه های مختلفی داشته است مهمترین آن ها را

بصورت بحث صنفی مطرح میکند یعنی خودشان را از سیاست جدا می کند اما هنگامی که این اعتراضات به خیابان ها کشیده می شود جنبه سیاسی آن را نمی توان نادیده گرفت و در ایران رنگ و بوی سیاسی هم به خود گرفت. در نتیجه بخشی از آن مربوط به حق و حقوق شان بوده که کم بود و طبیعی بود که اعتراض کنند اما چیزی که باعث می شود روند اعتراضات تغییر کند و به بخش های دیگه نیز کشیده شود یک واکنش دولت به آن بوده است که با سرکوب همراه می شود و دیگر عدم احقاق حق های آن هاست وقتی اعتراضی در مورد حقوق شان میشود هیچ واکنشی از طرف دولت صورت نمیگیرد و اگر نیز انجام شده بسیار کم بوده در نتیجه باعث میشود به مرور به شکل های دیگری این اعتراضات به جامعه منتقل شود و به راه افتد این مسئله فقط از آن معلمان نبود بلکه کارگران و کارمندان هم همین اعتراضات را داشتند و این بخش ها به مرور وقتی دیدند که معلمان اعتراض می کنند و اعتراضات سراسری شکل گرفت و سپس از جنبه صنفی خارج میشود و کلی تر میشود و شکل دیگری میگیرد آنان نیز به اعتراضات میبوندند و هنگامی که این اعتراضات از سمت دولت سرکوب میشود منجر به کشته شدن برخی افراد میشود و جنبه سیاسی به خود میگیرد و در نهایت منتهی به سرکوب معلمان می شود. دولت نیز در برخورد بصورت مسلحانه به مبارزه با قشر معلمان پرداخت و هر گونه اعتراض خیابانی را به حالت خشونت آمیز ادامه داد و در نتیجه آن هم به کشته شدن دکتر خانعلی انجامید که در سال ۱۳۴۰ اتفاق افتاد و آغازی بر اعتصابات معلمان و دانشجویان و دانش آموزان میشد. در روز ۱۲ اردیبهشت ماه یکی از روزهای تاریخی در زندگی معلم بود که پس از سقوط دولت مصدق اولین واکنش فریاد اعتراضی بر علیه بی عدالتی و خفقان و ظلم و ستم بود. در بین شعارهای معلمان و قشرهای دیگر جامعه که برپا می شد شعار "ما ازادی میخواهیم" برای اولین وحشت بزرگی بوجود آورده بود. از آنجا که ظلمت استبداد و اختناق نمیتواند برای همیشه پایدار بماند علاوه بر اینکه خاطرات مبارزات معلمان در اذهان همچنان باقی ماند پیروزی معلم همواره بصورت الگوئی فرا راه مردم ایران بود نتیجه اعتصاب و اعتراض معلمان این درس تاریخی را به ملت ایران اموخت که وقتی

وحدت و یکپارچگی قشری از جامعه قادر است دولت منصوب دیکتاتور را سرنگون سازد یقیناً وحدت ملت ایران توانایی آن را دارد که رژیم دیکتاتوری را هم سرنگون سازد. و دیدیم که چنین وحدتی بوجود آمد و توانست رژیم را در کوتاه ترین مدت سرنگون سازد. اکنون این دیگر برملت ایران است که این اکسیر حیات بخش زندگی را که با نثار خون ده ها هزار نفر از ارزشمندترین فرزندان وطن بنام آزادی بدست آورده است با جان و دل حراست کند.

فهرست منابع و مآخذ

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه‌ی محمد ابراهیم فتاحی و احمد گل محمدی. تهران: نشرنی.
- بهرنگی، اسد (۱۳۸۶)، برادرم صمد بهرنگی؛ روایت زندگی و مرگ او، تبریز: نشر بهرنگی.
- شریف امامی، جعفر (۱۳۸۰) خاطرات جعفر شریف امامی با حبیب لاجوردی، طرح تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، تهران: نگاه امروز.
- عبدالله پور، احمد (۱۳۶۹)، وزرای معارف ایران، تهران: چاپخانه رودکی.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۴)، نخست‌وزیران ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات جاویدان.
- نجاتی، غلام رضا (۱۳۷۳)، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱: تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- خاطرات محمد درخشش، ویراستار ضیاء صدقی، طرح تاریخ شفاهی ایران مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، مریلند، ۱۹۸۳.

مطبوعات

- _ اطلاعات، ش ۱۰۴۹۷ (یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۱۴.
- _ اطلاعات، ش ۱۰۵۳ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۱ و ۲۱.
- _ اطلاعات س ۳۵، ش ۱۰۵۰۲ (شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰)، ص ۸.
- _ اطلاعات، س ۳۶، ش ۱۰۸۶۲ (۹ آبان ۱۳۴۱)، ص ۲۱.
- _ اطلاعات، ش ۱۰۴۹۲، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۰، ص ۲۱.

- اطلاعات س ۳۵ ش ۱۰۴۸۴ (شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۱۷.
- اطلاعات، س ۳۵، ش ۱۰۴۶۴، (۸ فروردین ۱۳۴۰)، ص ۱۴.
- اطلاعات، ش ۱۰۴۲۸ (یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۳۹)، ص ۹.
- اطلاعات، ش ۱۰۴۹۶ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰)، ص ۱۸.
- امید ایران، ش ۳۵۶ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۷۶.
- امید ایران، ش ۲۲ (اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹.
- تهران مصور، ش ۹۳۴ (۶ مرداد ۱۳۴۰)، ص ۹ و ۴۶.
- تهران مصور، ش ۹۲۳ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۵.
- فردوسی، ش ۴۹۰ (۲ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۲.
- کیهان، ش ۵۳۵۵ (شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۱۰.
- کیهان، ش ۵۳۴۹ (شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۱۲.
- کیهان، ش ۵۳۵۲ (سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۸.
- کیهان، ش ۵۳۳۷۰ (۲ اردیبهشت ۱۳۴۰)، ص ۱۶.
- معلم (اردیبهشت ۱۳۵۸)، ص ۱۶.
- معلم (اردیبهشت ۱۳۵۸)، ص ۱۹.